

**Analyzing the narratives and lived experiences of a student teacher as an influencing factor on teachers' professional ethics**

**Arghwan Rezaei <sup>1</sup>, Dr. Adel Soleimani <sup>2</sup>**

**Abstract**

The general purpose of the present research is to analyze the narratives and lived experiences of a student-teacher's academic life as a factor affecting the professional ethics of the writer. For this purpose, in this research, firstly, the influential memories in three periods of school; That is, primary, first and second secondary were collected. In the next step, each of the memories was coded and analyzed. The current research is qualitative and of narrative research type, and the data analysis method of this research is conventional coding, in which 310 open codes and 23 axes were extracted. The statistical population of this research is all the narratives of primary and secondary school, and in each narrative, prominent memories and important sentences are given as examples. The method of data collection was observation, checking diaries and interviewing friends from school. The findings of this research have led to the creation of 310 open codes and 23 axes, which have finally been transformed into 4 broader categories such as educational environment, job and professional skills, internal factors affecting academic performance, and external factors affecting academic performance. In the end, these findings led to the identification of the influencing factor on professional ethics, which was presented in an analytical-inferential model, which shows that this study provides the possibility for teachers and student teachers to develop professional ethics and to improve their knowledge, skills and attitudes. Develop your career.

**Key words:** narrative research, lived experiences, professional ethics, teachers, student-teachers

---

<sup>1</sup> . Bachelor's student in the field of elementary education, Farhangian University, Shahid Sadoughi Campus, Kermanshah Province- Arghavan.rezaee80@gmail.com

<sup>2</sup> . Lecturer at Farhangian University, Shahid Sadoughi Campus, Kermanshah Province- AdelSulaimany@gmail.com

---

واکاوی روایت‌ها و تجارب زیسته دوران تحصیلی یک دانشجو معلم  
به‌عنوان عامل تأثیرگذار بر اخلاق حرفه‌ای معلمان

ارغوان رضایی<sup>۱</sup>، دکتر عادل سلیمانی<sup>۲</sup>

(صفحات ۳۵-۱)

**چکیده**

هدف کلی پژوهش حاضر واکاوی روایت‌ها و تجارب زیسته دوران تحصیلی یک دانشجو - معلم به‌عنوان عامل تأثیرگذار بر اخلاق حرفه‌ای نویسنده است. بدین‌منظور در این پژوهش ابتدا خاطرات تأثیرگذار در سه دوره‌ی مدرسه؛ یعنی ابتدایی، متوسطه‌ی اول و دوم جمع‌آوری شد. در مرحله‌ی بعدی هر یک از خاطرات کدگذاری شد و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. پژوهش حاضر کیفی و از نوع روایت‌پژوهی است و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات این پژوهش کدگذاری‌های متعارف است که تعداد ۳۱۰ کد باز و ۲۳ محور استخراج شد. جامعه‌ی آماری این پژوهش تمامی روایت‌های دوران ابتدایی و متوسطه‌ی اول و دوم است و در هر روایت خاطرات برجسته و جملات مهم به‌عنوان نمونه آمده است. روش جمع‌آوری اطلاعات مشاهده، بررسی دفترچه‌ی خاطرات و مصاحبه با دوستان دوران تحصیلی بوده است. یافته‌های حاصل از این پژوهش باعث به‌وجود آمدن ۳۱۰ کد باز و ۲۳ محور شده است که این ۲۳ محور در آخر به ۴ مقوله‌ی وسیع‌تر با عنوان محیط آموزشی، مهارت‌های شغلی و حرفه‌ای، عوامل درونی مؤثر بر عملکرد تحصیلی و عوامل بیرونی مؤثر بر عملکرد تحصیلی تبدیل شده است. در انتها این یافته‌ها باعث شناسایی عامل تأثیرگذار بر اخلاق حرفه‌ای شد که در یک مدل تحلیلی-استنباطی ارائه گردید که نشان می‌دهد این مطالعه این امکان را برای معلمان و دانشجو معلمان به‌وجود می‌آورد تا اخلاق حرفه‌ای را در خود پرورش داده و دانش، مهارت و نگرش‌های حرفه‌ای خود را توسعه دهند.

واژگان کلیدی: روایت‌پژوهی، تجارب زیسته، اخلاق حرفه‌ای، معلمان، دانشجو - معلمان

---

<sup>۱</sup>. ارغوان رضایی دانشجوی کارشناسی رشته‌ی آموزش ابتدایی، پردیس شهید صدوقی استان کرمانشاه دانشگاه

فرهنگیان - [Arghavan.rezaee80@gmail.com](mailto:Arghavan.rezaee80@gmail.com)

<sup>۲</sup>. دکتر عادل سلیمانی مدرس دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید صدوقی استان کرمانشاه-

[AdelSulaimany@gmail.com](mailto:AdelSulaimany@gmail.com)

### ۱- مقدمه و طرح مسئله

یکی از کلیدی‌ترین و حساس‌ترین مشاغل و حرفه‌های هر نظام را معلمان برعهده دارند (رضایی، ۱۳۹۰)، به گونه‌ای که توسعه‌ی جامعه و ترقی همه‌جانبه‌ی آن به نظام آموزشی آن جامعه و معلمان این نظام، بستگی دارد (مسرور، ۱۳۹۴). هدف تعلیم و تربیت در جوامع کنونی فقط انتقال دانش از نسل قدیم به نسل جدید و صرفاً تقویت قوای ذهنی فراگیران نیست؛ بلکه توسعه و پرورش همه‌جانبه مدنظر است (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰). این‌چنین تربیتی نیازمند معلمانی علاقه‌مند، دلسوز، کارآمد، دارای صلاحیت حرفه‌ای و هویت شکل‌گرفته می‌باشد (فروتن و رشادت‌جو، ۱۳۹۴)؛ بنابراین، هویت از ارکان اساسی دستیابی به اهداف کلان نظام آموزشی است. جهت توسعه‌ی حرفه‌ای معلمان و دانشجو معلمان، رویکردهای مختلفی وجود دارد؛ ولی امروزه رویکردهایی مدنظر است که پژوهش‌محورند، مبتنی بر تجربه و عمل فکورانه هستند و می‌توانند بین نظر و عمل پیوند برقرار کنند. یکی از این رویکردها پژوهش‌روایی است. در واقع پژوهش‌روایی به‌عنوان یک پداگوژی، کاربردهای معنی‌داری در تدریس و یادگیری توسعه دارد و ساختاری را برای فهم وقایع گذشته و طراحی فعالیت‌های آینده فراهم می‌سازد. صحبت معلمان درباره‌ی زندگی و تجاربشان در عمل، اغلب خودبه‌خود در قالب روایت شکل می‌گیرد. کریمی (۱۳۹۶) به نقل از ویدرل و نودینگز (۱۹۹۱) این‌گونه می‌گوید که داستان‌ها، به ما کمک می‌کنند که خودمان، دیگران و حتی موضوعات تدریس را درک کنیم و از طریق آن‌ها یاد بگیریم. از طرفی سراجی (۱۳۸۴) به نقل از گودمن‌زدوتیر (۱۹۹۵) می‌گوید که روایت‌ها به ما اجازه می‌دهند معانی جدید را از طریق جذب تجارب در داخل یک طرح روایتی، کشف کنیم. یادگیری مبتنی بر روایت‌پژوهی دانشجو معلمان را به یادگیرندگان فعالی تبدیل می‌کند، یادگیرندگانی که دانش خود را می‌سازند. در پژوهش‌روایی، دانشجو معلمان از طریق تمرکز بر عمل، دانش خود را می‌سازند. بازسازی

## واکاوی روایت‌ها و تجارب زیسته دوران تحصیلی...

تجارب تدریس روایتی به دانشجو معلمان اجازه می‌دهد تا به صورت فکورانه، دغدغه‌های اخلاقی، عاطفی و سیاسی‌شان را بیان کنند؛ آن‌ها را با دیگران به اشتراک بگذارند و درباره‌ی آن‌ها بحث و گفتگو کنند. این کار، تجارب و درک دانشجو معلمان از پیچیدگی‌های شغلی را توسعه می‌دهد (کرمی، ۱۳۹۶). دانشجو معلمان با کمک روش‌های مختلف روایی، می‌توانند درباره‌ی خود (به‌عنوان یک معلم)، ارزش‌ها و عقایدشان درباره‌ی تدریس خوب، انگیزه‌هایشان و امثال این‌ها، ایده‌های تازه بیان کنند و به صورتی خلاق، تحلیل و تفسیر نمایند. روش‌های روایتی به دانشجو معلمان اجازه می‌دهند، دانش و مهارت‌هایشان را برای دستیابی به عملکردهای تدریس مؤثر به‌کارگیرند. روایت پژوهی علاوه بر یک پداگوژی برای توسعه‌ی حرفه‌های معلم می‌تواند به‌عنوان شیوه‌ی تحقیق در حوزه‌ی تربیت‌معلم نیز مورداستفاده قرار گیرد. روایت پژوهی به‌عنوان یک شیوه‌ی پژوهشی معلم‌محور می‌تواند کمک کند تا معلمان دانش خود را بهتر و بیشتر کنند. در یک پژوهش روش‌هایی مورد آزمون قرار گرفته است که در آن، معلمان، دانش را از طریق گفت‌وگو بین یک گروه پژوهشی معلم ساخته‌اند و دریافته‌اند که در این جریان، یادگیری و تدریس معلمان از طریق گفت‌وگو در مورد تئوری و عمل برای حمایت تلاش‌های پژوهشی‌شان، دگرگون شده است. معروفی (۱۳۹۶) به نقل از راشتون (۲۰۰۱) از داستان‌های روایی برای رشد خودکارآمدی یک دانشجو معلم در طی دوره‌ی کارورزی استفاده کرد و به نتیجه‌ی مؤثری دست‌یافت. در واقع از روایت پژوهی به‌عنوان ابزاری برای توسعه‌ی معلمان قبل از خدمت می‌توان استفاده کرد و باعث می‌شود که معلمان قبل از خدمت از طریق درگیرشدن در روایت پژوهی به توسعه‌ی حرفه‌ای دست بیابند؛ بنابراین سؤال پژوهش این است که برنامه‌ی روایت پژوهی و مرور خاطرات چه دستاوردهایی برای معلمان و دانشجو معلمان داشته است؟

اخلاق حرفه ای در آموزش، سال اول، شماره ۲، بهار ۱۴۰۱

## ۲- روش‌شناسی تحقیق

هر پژوهش به یک اساس و بنیاد برای مطالعه نیاز دارد و پژوهشگران باید از فلسفه‌ای که در مطالعه‌ی خود استفاده می‌کنند، آگاه باشند؛ زیرا هر یک از مراحل بعدی پژوهش، از انتخاب رویکرد پژوهش تا جمع‌آوری و تحلیل داده براساس فلسفه و نگرش پژوهشگر صورت می‌گیرد (عطاران، ۱۳۹۶). پژوهش حاضر از نوع روایت‌پژوهی است؛ که یکی از انواع تحقیقات کیفی محسوب می‌شود. در این پژوهش ابتدا خاطرات تأثیرگذار بر هویت معلمی نویسنده در سه دوره‌ی مدرسه یعنی دوره‌ی ابتدایی، متوسطه‌ی اول و متوسطه‌ی دوم جمع‌آوری شد. در مرحله‌ی بعدی هر یک از خاطرات کدگذاری گردید. فلسفه و نوع نگرش این تحقیق بر مبنای تفسیرگرایی است و روش جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از مشاهده‌ی کتاب‌های دوران تحصیل و یادداشت‌های دوران تحصیل و مصاحبه با افراد است. نمونه‌ی آماری تمامی روایت‌های دوران ابتدایی و متوسطه‌ی اول و متوسطه‌ی دوم است. در این تحقیق برای جمع‌آوری داده‌ها از کدگذاری استفاده شده است. کدگذاری فرآیندی است که در آن داده‌ها به صورت واحدهای معنادار مجزا درمی‌آیند و در شروع مطالعه می‌توان از آن استفاده کرد. هدف اصلی کدگذاری باز، مفهوم‌سازی و برچسب‌زدن به داده‌هاست. در کدگذاری باز چند بار از روی داده‌ها یا اطلاعات به دست آمده می‌خوانید و شروع به ساختن برچسب‌های موقت برای دسته‌های اطلاعات می‌کنید که اتفاقاتی را که شما دیده‌اید خلاصه می‌کنند. در این پژوهش ۳۱۰ کد مشخص شده است.

## ۳- یافته‌ها و نتایج

در پژوهش حاضر روایت‌های دوران دوازده سال تحصیلی اعم از پایه‌ی اول تا پنجم دبستان و سپس متوسطه‌ی اول و متوسطه‌ی دوم با استفاده از دفترچه‌ی خاطرات و دوستان دوران تحصیلی نوشته شده است و سپس به تأمل عمیق در رابطه با هر خاطره

### واکاوی روایت‌ها و تجارب زیسته دوران تحصیلی...

پرداخته شده است. در نتیجه این کار باعث به وجود آمدن ۳۱۰ کد باز و ۲۳ محور به صورت کدگذاری محوری شده است که براساس مشترکات دسته‌بندی شده‌اند. در آخر این ۲۳ محور به ۴ مقوله‌ی وسیع‌تر و جامع‌تر با عنوان محیط آموزشی، مهارت‌های شغلی و حرفه‌ای، عوامل بیرونی مؤثر بر عملکرد تحصیلی و عوامل درونی مؤثر بر عملکرد تحصیلی تقسیم شده است.

### جدول ۱: جدول کدگذاری باز، محوری و گزینشی

عوامل درونی مؤثر بر عملکرد تحصیلی	عواطف و احساسات	B1	A1	چند روزی بود که با ذوق و شوق، کتاب و دفترهای خوشگلی خریدم.	۱
		B2	A2	دو هفته قبل از شروع مدرسه‌ها همه چیز را تهیه کرده بودم و منتظر شروع ماه مهر بودم.	۲
		B3	A3	کیف و کفشم را بارها از کمد بیرون می‌آوردم و دقایقی با شوق دویدن به سوی مدرسه به آن‌ها نگاه می‌کردم.	۳
		B4	A4	هر بار از مادرم می‌پرسیدم می‌شود این‌ها را بپوشم.	۴
		B5	A5	کم‌کم روزی رسید که بی‌صبرانه منتظرش بودم.	۵
		B6	A6	ماه مهر شروع شد.	۶
		B7	A7	مادر که مقاومت عجیب مرا دید.	۷
		B8	A8	دیدن همین رفتار خشن و گریه کردن اولین بچه‌ی کلاس اولی کافی بود تا بقیه‌ی بچه‌ها هم ناخودآگاه زیر گریه بزنند.	۸
		B9	A9	من که از دور به بچه‌های گریان نگاه می‌کردم.	۹
		B10	A10	ناخودآگاه زدم زیر گریه.	۱۰
		B11	A11	دنبال جایی گشتم تا با خیال راحت یک دل سیر گریه کنم.	۱۱
		B12	A12	من به شدت دل‌نازک بودم و زدم زیر گریه و برگشتم توی کلاس نشستم و آرام آرام اشک می‌ریختم.	۱۲

اخلاق حرفه ای در آموزش، سال اول، شماره ۲، بهار ۱۴۰۱

عوامل درونی مؤثر بر عملکرد تحصیلی	عواطف و احساسات	B13	A13	با بغض گفتم: خانم اجازه دروغ می‌گه.	۱۳
		B14	A14	من و دو تا از دوستانم هر روز با کلی ذوق و شوق چند تا گل یاس کوچک می‌کندیم و با خودمان به خانه می‌بردیم و لای کتاب و دفترمان می‌گذاشتیم.	۱۴
		B15	A15	من هنوز در حال و هوای باحال و خوشگذرانی‌های تابستان بودم و اصلاً یادم رفته بود که فردا اول مهر است.	۱۵
		B16	A16	طبق معمول تابستان ساعت نه صبح صبحانه‌ام را خوردم.	۱۶
		B17	A17	بوی کیف نویی که برای مدرسه خریده بودم باعث شد گریه کنم.	۱۷
		B18	A18	گریه‌ای سر دادم که همه انگشت حیرت به دهان گرفته بودند.	۱۸
	B19	A19	روز جمعه با شادمانی آغاز و با بعدازظهر ترسناک و پراسرس ادامه یافت.	۱۹	
	B20	A20	اشک توی چشمم حلقه‌زده بود و گفتم هیچ دوستی در این کلاس ندارم.	۲۰	
	B21	A21	هر وقت به اون روز دوست‌داشتنی فکر می‌کنم، قلبم از اون حجم محبت و عشق و علاقه‌ی معلم لبریز می‌شود.	۲۱	
	B22	A22	اولین بار بود پدر و مادرم احضار می‌شدند و به‌شدت ترسیده بودم.	۲۲	
	B23	A23	وقتی زنگ آخر می‌خورد دل‌مان نمی‌خواست از هم جدا شویم.	۲۳	
	B24	A24	آن موقع ها رئیس مهربان این گروه کوچک و دوست‌داشتنی بودم.	۲۴	
	B25	A25	ما سرخوشانه بازی قایم‌موشک می‌کردیم و پشت بوته‌های بلند یاس قایم می‌شدیم.	۲۵	
	B26	A26	یکی از بچه‌ها جیغ بلندی کشید و پا به فرار گذاشت!	۲۶	
	B27	A27	ناگهان با جسد روبه‌رو شدم و ناخودآگاه یک جیغ بنفش کشیدم.	۲۷	
	B28	A28	خواستم بپرسم دارد فیلم بازی می‌کند تا ما را بترساند یا مرده است.	۲۸	

واکاوی روایت‌ها و تجارب زیسته دوران تحصیلی...

عوامل درونی مؤثر بر عملکرد تحصیلی	عواطف و احساسات	B29	A29	با ترس گفتم خانم یکی از بچه‌ها کنار بوته‌های گل یاس مرده!	۲۹
		B30	A30	خانم معلم که از عصبانیت در مرز انفجار بود.	۳۰
		B31	A31	داشتم از غصه می‌مردم.	۳۱
		B32	A32	اولین روز کلاس اول راهنمایی، خوشبختانه شیفت ظهری بودیم.	۳۲
	B33	A33	بچه‌ها با جیغ و داد سرخوشانه توی حیاط بازی می‌کردند.	۳۳	
	B34	A34	با کلی شور و هیجان یکدیگر را در آغوش گرفتیم.	۳۴	
	B35	A35	با دوستان صمیمی‌ام به‌خاطر نام خانوادگی مان که بین حروف ر تاع بود، در کلاس اول ب افتادیم.	۳۵	
	B36	A36	هر چیزی که باعث تعطیلی کلاس ریاضی یا پیچاندن آن می‌شد، دل‌انگیزترین خاطره‌ها را برای ما رقم می‌زند.	۳۶	
	B37	A37	یک کادر پزشکی با روپوش سفید و کیف‌هایی بزرگ به‌دست، مشغول صحبت کردن با خانم مدیر هستند.	۳۷	
	B38	A38	چون زنگ اول ریاضی داشتیم سعی می‌کردیم وقت بیشتری را توی حیاط مدرسه هدر بدهیم تا دیرتر به کلاس برویم.	۳۸	
	B39	A39	یهو انگار سطل آب سرد روی سرم ریخته باشند در جا خشکم زد.	۳۹	
	B40	A40	من که رنگ از رخم پریده بود نمی‌دانستم چه کنم.	۴۰	
	B41	A41	هرچه بیشتر به‌دنبال راه فراری می‌گشتم کمتر می‌یافتم، ناگهان فکری به ذهنم رسید. گفتم: من سریع برم دستشویی و برگردم الان می‌ریزه!	۴۱	
	B42	A42	ناگهان یک مبصر قلدر را به سمت دستشویی‌ها فرستادند تا همه‌ی بچه‌هایی که فرار کرده بودند را جمع کند و به مسلخ‌گاه ببرد.	۴۲	
	B43	A43	من که در ردیف اول نشسته بودم از ترس نمره‌ی بد، به خود می‌لرزیدم.	۴۳	
	B44	A44	در کمال ناباوری اول‌ازهمه اسم منو صدا کرد.	۴۴	



اخلاق حرفه ای در آموزش، سال اول، شماره ۲، بهار ۱۴۰۱

		B45	A45	بی‌اختیار اشک از چشمم فروریخت. ناخودآگاه یاد معلم مهربان کلاس سوم دبستانمان خانم رزمجویی افتادم که می‌گفت جدول ضرب پایه‌ی اصلی درس ریاضی است.	۴۵
		B46	A46	خاطره‌ها هجوم آوردند و چشمم گرم از هجوم اشک و خاطره، دیگر جایی را نمی‌دید.	۴۶
		B47	A47	یکی از باحال‌ترین خاطرات کلاس کمک‌های اولیه موقعی بود که معلم می‌خواست روی مولاژ آناتومی درس بدهد که به‌اقتضای سن آن زمان، تقریباً همه‌ی بچه‌ها تا جایی که می‌توانستند اذیت می‌کردند.	۴۷
		B48	A48	هیچ‌چیز مثل یک آغوش گرم و پرمحبت نمی‌تواند فرد را از مرگ حتمی نجات دهد.	۴۸
		B49	A49	معلممان می‌گفت: امیدوارم همیشه همین‌طور پرانرژی و شاد بمانید ولی باور کنید سر صحنه‌ی تصادف نمی‌توانید کسی را با عاشقانه بغل کردن از مرگ نجات دهید.	۴۹
		B50	A50	وقتی برگشتند دیدیم کتاب ژوزفین و دزیره را از کتابخانه به امانت گرفته‌اند و با لبخندی فاتحانه به بچه‌ها می‌نگرند.	۵۰
		B51	A51	۲۳ نفر قبل از من این دو کتاب را رزرو کرده بودند.	۵۱
		B52	A52	بالاخره نوبت من رسید.	۵۲
		B53	A53	روز چهارشنبه درحالی‌که غمگین از ماجراهای عشقی کتاب دلم گرفته بود و دلم نمی‌خواست به مدرسه بروم به‌ناچار راهی شدم.	۵۳
		B54	A54	ناگهان با حضور معلم جغرافی در زنگ اول - درحالی‌که انتظار معلم ادبیات را می‌کشیدیم - غافلگیر شدم.	۵۴
		B55	A55	وقتی برگه‌ی سؤالات رو دیدم، اشکم بند نمی‌اومد خودم هم خوب می‌دونستم الان به‌خاطر ماجرای عشق و ناکامی دزیره که مدام در ذهنم تکرار می‌شد به‌شدت دلم می‌خواست گریه کنم، ولی امتحان بی‌خبر رو بهونه کرده بودم. درحالی‌که سرم درد می‌کرد و نمی‌تونستم سر جلسه بشینم با گریه بلند شدم و گفتم: خانم من حال خوب نیست نمی‌تونم بشینم سر امتحان.	۵۵
عوامل درونی مؤثر بر عملکرد تحصیلی	عواطف و احساسات	C1	A56	مدرسه مثل یک ماتم‌سرا به‌نظر می‌رسید.	۵۶
		C2	A57	همه دارند گریه می‌کنند. لابد قرار است از مدرسه بیرونشان کنند و همه‌شان قرار است در شهر گم شوند.	۵۷

### واکاوی روایت‌ها و تجارب زیسته دوران تحصیلی...

عوامل درونی مؤثر بر عملکرد تحصیلی	افکار و عقاید	C3	A58	گفتم قراره بهمون آمپول بزبن و خیلی هم درد داره ولی نباید گریه کنیم و اگر گریه کنیم از مدرسه بیرونمون می‌کنن تا توی شهر گم بشیم.	۵۸
		C4	A59	برای من خیلی عجیب بود که چطور ممکنه خانم معلم با وجود اینکه داره درباره‌ی مرگ پدر و مادرش حرف می‌زنه اما بغض نکرده و داره مثل همیشه با قدرت و ابهت و بدون اینکه صداش بلرزه حرف می‌زنه.	۵۹
		C5	A60	اون مادربزرگ مهربون که فکر می‌کردم مادربزرگ یکی از بچه‌ها باشه خوشبختانه یک خانم معلم بود.	۶۰
		C6	A61	از روزی که معنی کلمه‌ی زر رو ازش پرسیدم و فهمیدم که زر یعنی طلا، بهش می‌گفتم شما واقعاً قلبی از طلا دارید و اونم با مهربونی می‌خندید و منو می‌بوسید.	۶۱
		C7	A62	تا کلاس پنجم که توی همون مدرسه بودیم از بهترین دوستای من بود.	۶۲
		C8	A63	من که در کلاس اول و دوم شاگرد بسیار منضبط و درسخوان و نمونه‌ای بودم، در کلاس سوم هر از گاهی مشق‌هایم را نمی‌نوشتم تا خانم معلم را کلافه کنم.	۶۳
		C9	A64	جواب دادم: از نوشتن بدم می‌آید. نوشتن مال کسانی است که نمی‌توانند چیزی را حفظ کنند و فقط باید با نوشتن و تکرار و تمرین چیزی را به‌خاطر بسپارند.	۶۴
		C10	A65	همیشه وقتی به گذشته‌ها برمی‌گردم و خاطراتم را مرور می‌کنم، باز هم اعتراف می‌کنم که دوستی‌ها و حتی دعوای دوران کودکی و به‌ویژه دوران ابتدایی چقدر ساده و کودکانه و بی‌شیله‌پیله بود.	۶۵
		C11	A66	راهی جز ترک مدرسه نبود. هر روز با دوستانمان قرار می‌گذاشتیم تا اندکی بیشتر در مدرسه بمانیم.	۶۶
		C12	A67	چندتایی از بچه‌ها که به‌تازگی خبر شده بودند ما بعد از زنگ آخر توی مدرسه می‌مانیم و بازی می‌کنیم، سخت مشتاق بودند همراه با ما بمانند.	۶۷
		C13	A68	من که رئیس گروه بودم و خودم را مسئول همه‌چیز می‌دانستم ترجیح دادم فرار نکنم و بروم به ناظم یا مدیر که ما را پیداکرده‌اند بگویم که من به بچه‌ها گفته‌ام در مدرسه بمانند.	۶۸
		C14	A69	همان لحظه خودم را در زندان دیدم و مطمئن شدم که کاری از دست کسی بر نمی‌آید و سرانجام خانواده‌ی او تقاضای قصاص می‌کنند و مرا خواهند کشت.	۶۹

اخلاق حرفه ای در آموزش، سال اول، شماره ۲، بهار ۱۴۰۱

		C15	A70	من واقعاً خودم را شایسته‌ی حضور در این گروه می‌دیدم. منتظر بودم نام من اول‌ازهمه خوانده شود؛ اما در کمال تعجب دیدم اسم همان چهار نفر اعضای فامیل و یکی دیگر از بچه‌ها که هنوز نسبت فامیلی‌اش بر ما عیان نگشته بود خوانده شد.	۷۰
		C16	A71	تصمیم گرفتم کمتر سخت بگیرم و بگذارم کلاس فوق‌العاده کمی کمتر از کلاس‌های واقعی سخت بگذرد.	۷۱
		C17	A72	پیشنهاد کردم تا برای استراحت بین درس‌خواندن، بیایید اسم و فامیل بازی کنیم.	۷۲
عوامل درونی مؤثر بر عملکرد تحصیلی	افکار و عقاید	C18	A73	ما بچه‌ها که دیگر امیدی به رهایی از چنگال آمپول‌های وحشتناک نداشتیم، تصمیم گرفتیم از راه دیگری وارد شویم.	۷۳
		C19	A74	من گفتم: خانم اجازه! جلسه‌ی قبل خانم معلم یه بخشی رو نرسیدند درس بدهند و گفتند خیلی عقب هستیم و جلسه‌ی بعد زودتر بیایید تا برسیم درس را تموم کنیم.	۷۴
		C20	A75	با خوشحالی به سمت دستشویی دویدم و پشت دیوار کمین کردم.	۷۵
		C21	A76	طبق معمول اولین جلسه از اولین روز مدرسه برای حال‌گیری بچه‌ها، درس ریاضی را گذاشته بودند.	۷۶
مهارت‌های شفاهی و حرفه‌ای	ویژگی‌های ظاهری معلم	D1	A77	در یکی از کلاس‌ها باز شد و یک خانم مسن که خیلی شبیه مادر بزرگ‌های مهربون بود بیرون اومد.	۷۷
		D2	A78	وقتی معلم علوم وارد شد، آن‌قدر چهره‌ی آرام و لبخند مهربانش، آرامش در وجودم سرازیر کرد که ناخودآگاه لبخندی از ته دل زدم.	۷۸
		D3	A79	معلم تاریخمان بانوی سپیدرو و سپیدمو و بی‌نهایت مهربانی بود به نام خانم توسل.	۷۹
		D4	A80	نخستین باری که وارد کلاس شد، از شباهتش به مادر بزرگم و همچنین شباهتش به معلم کلاس دوم ابتدایی‌ام خانم زرنقش مهربان از خود بیخود شدم و ناخودآگاه نسبت به او محبتی بی‌پایان در دلم لانه کرد.	۸۰
		D5	A81	صدایی داشت کمی لرزان به اقتضای سن، اما همچنان باصلابت.	۸۱
	خصوصیات اخلاقی معلم	E1	A82	اسم معلم من خانم مهران بود و بسیار مهربان بود.	۸۲
		E2	A83	لبخند آرامی زد و گفت: خُب عزیزم اینکه گریه نداره.	۸۳

واکاوی روایت‌ها و تجارب زیسته دوران تحصیلی...

		E3	A84	اسم این معلم مهربون خانم زرنقش بود.	۸۴
		E4	A85	یادم می‌آید خانم معلم مهربان کلاس سوم ما که اسمش خانم شادمان بود.	۸۵
		E5	A86	خانم وقتی به شدت از درس نخواندن و اذیت کردن ما کلافه می‌شد و پدر و مادرمان را فرامی‌خواند، در حضور والدین ما را هم صدا می‌زد.	۸۶
		E6	A87	خانم شادمان مهربان از این روش نیز برای من استفاده کرد.	۸۷
		E7	A88	معلم گفت: شایسته‌ترین و مناسب‌ترین افراد برای تیزهوشان را انتخاب کنم و هیچ‌چیز حتی نسبت‌های فامیلی را در این انتخاب دخالت نمی‌دهم.	۸۸
		E8	A89	خانم عاصم که یک معلم خوب و مهربون بود خودشو به‌عنوان معلم علوم معرفی کرد.	۸۹
		E9	A90	خانم معلم که این‌رو دید، گفت دخترم بیا جلوی کلاس و خودتو معرفی کن و بعد این شعرها رو برای ما بخون.	۹۰
		E10	A91	از صدای دل‌انگیز خانم معلم که مثل فرشته‌ها بود و نشون می‌داد که از قلبی پاک و مهربون هم برمیداد خوشحال بودم.	۹۱
		E11	A92	معلم بی‌نظیری داشتیم به نام خانم خاکسار که همیشه می‌گفت: شاید کسی قبول نکنه اما می‌دونم سختی‌های زیادی روی دوش دانش‌آموزان هست.	۹۲
		E12	A93	درک این معلم عزیز و حرف‌هایی که می‌دانست و بر زبان می‌آورد باعث می‌شد از مادر برایمان عزیزتر و صمیمی‌تر و نزدیک‌تر باشد.	۹۳
		E13	A94	هر وقت بچه‌ها درباره‌ی معلم‌های دیگر می‌خواستند حرفی بزنند، گوش‌هایش را می‌گرفت و می‌گفت بچه‌ها درباره‌ی همکاران من غیبت نکنید.	۹۴
		E14	A95	در کمال تعجب دیدیم که معلم ریاضی‌مان فردی خوش‌خلق و شاد و مهربان است.	۹۵
		E15	A96	معلم ریاضی که استاد دانشگاه هم بود، سرعت عملش در امتحان گرفتن و تصحیح برگه‌ها هنوز هم فک مرا می‌اندازد.	۹۶

مهارت‌های شفاهی و حرفه‌ای

خصوصیات اخلاقی معلم

اخلاق حرفه ای در آموزش، سال اول، شماره ۲، بهار ۱۴۰۱

مهارت‌های شغلی و حرفه‌ای	خصوصیات اخلاقی معلم	E16	A97	معلم ریاضی برگه‌ها را که تصحیح می‌کرد هر از گاهی با صدای بلند می‌خندید و بچه‌ها هم به خنده می‌افتادند.	۹۷
		E17	A98	معلم با چهره‌ای جدی گفت: خُب نمره‌ها رو به ترتیب از بدترین نمره به بهترین نمره اعلام می‌کنم.	۹۸
		E18	A99	تابه‌حال با چنین تنبیهی رویه‌رو نشده بودم و دلیل ترکیب لبخند و تنبیه را نمی‌دانستم.	۹۹
		E19	A100	و سرانجام پس از جلسات دهم یا دوازدهم بود که طاقش طاق شد و گفت: اگر بخواهید به همین شکل ادامه بدهید، من لزومی به ادامه‌ی این کلاس نمی‌بینم.	۱۰۰
		E20	A101	معلم درس برنامه‌ریزی شغلی یک آدم خشک و بدعق و اخمو و جدی است.	۱۰۱
		E21	A102	با این تهدید متعهدانه و دلسوزانه معلم عزیز درس کمک‌های اولیه‌مان، بچه‌ها قول دادند سر کلاس خودشان را کنترل کنند.	۱۰۲
		F1	A103	هر معلم روش‌ها و تکنیک‌های خود را از سایر همکارانش پنهان می‌کرد تا شاید بتواند با تکنیک خاص خود در نهایت تعداد بیشتری از شاگردان کلاس خودش را به این آزمون بفرستد و باعث شود در آموزش و پرورش کل، نام خودش به‌عنوان معلم نمونه برای تیزهوشان مطرح گردد.	۱۰۳
		F2	A104	خانم عاصم از ما خواست بعد از معرفی خودمون، بگیم از علوم کلاس چهارم و پنجم چقدر یادمون.	۱۰۴
		F3	A105	خانم عاصم تعدادی مقوای رنگی از کیفش بیرون آورد که روی اون‌ها شعر نوشته شده بود.	۱۰۵
		F4	A106	خانم معلم بعد از اینکه از من تشکر کرد و کارت‌ها رو ازم گرفت و اجازه داد سر جام بشینم، شروع کرد به تعریف کردن یه خاطره و گفت: بچه‌ها من همیشه دوست داشتم شاعر بشم.	۱۰۶
F5	A107	خانم خاکسار می‌گفت: زمانی که دارم درس می‌دم فقط سراپا گوش باشید. هرچی بیشتر موقع درس دادن گوش کنید تا خوب یاد بگیرید.	۱۰۷		
مهارت‌های شغلی و حرفه‌ای	روش تدریس حرفه‌ای	F6	A108	اجازه می‌داد تا بچه‌ها از هرچه دوست دارند حرف بزنند و می‌گفت: به‌قول معروف هرچه می‌خواهد دل تنگت بگو...	۱۰۸
		F7	A109	یک معلم ریاضی همیشه یک معلم ریاضی است، حتی اگر به‌ظاهر شاد و مهربان باشد.	۱۰۹

واکاوی روایت‌ها و تجارب زیسته دوران تحصیلی...

		F8	A110	یک ساعت اول کلاس را در مورد خودش و تجربیات باحالش در مدارس مختلف دخترانه و پسرانه و دانشگاه صحبت کرد.	۱۱۰
		F9	A111	نقطه‌ی اوج درس زمانی بود که می‌خواست موقع رویارویی با شرایطی همچون تصادف منجر به آسیب، کمک‌رسانی کنند.	۱۱۱
		F10	A112	وقتی در نقش پادشاهان ظاهر می‌شد و از زبان آنان سخن می‌گفت حس می‌کردی دقیقاً با اقتدار یک پادشاه روبه‌رو هستی و خود را در فضای دربار شاه می‌دیدي نه در یک کلاس درس.	۱۱۲
		F11	A113	او که هرگز به روش تئوریک معلم‌های تاریخ سال‌های پیشینمان درس نمی‌داد، برای هر درس ابتدا نقشه‌ی منطقه‌ای که مثلاً جنگی در آن رخ داده بود و مبحث درس آن روز بود را روی تخته می‌کشید و سپس با گچ‌های رنگی مسیر لشکرکشی‌های هر پادشاه را روی نقشه نشان می‌داد.	۱۱۳
		F12	A114	وقتی نام پادشاهی می‌آمد، درباره‌ی خصوصیات اخلاقی و شخصیتی او و زندگی‌اش برایمان می‌گفت، به‌گونه‌ای که احساس می‌کردیم گویی ما در همان دوره زیسته‌ایم و دوران پادشاهی وی را از سر گذرانده‌ایم.	۱۱۴
	دیدگاه معلم نسبت به دانش‌آموز	G1	A115	معلم گفت: با وجود اینکه ظرفیت کلاس من پر شده اما من این دخترخانم کوچولو و دوست‌داشتنی رو توی کلاس خودم می‌برم.	۱۱۵
		G2	A116	از آن‌جایی که خواهرم به‌شدت شیطون بود و اذیت می‌کرد این خانم معلم از همان ابتدای کلاس که تشابه فامیلی ما را دید به‌طور پیش‌فرض با دید شیطون و اذیت‌کاری خواهرم به من هم می‌نگریست.	۱۱۶
		G3	A117	وقتی متوجه شدم که هر چقدر هم خوب و مظلوم و ساکت و پرتلاش باشم اما باز هم خانم معلم مرا مثل خواهرم می‌پندارد، تصمیم گرفتم جوری کار کنم که ذهنیت او اشتباه نباشد و واقعاً بچه‌ی شیطونی باشم.	۱۱۷
		G4	A118	معلم که آن لحظه از حاضر جوابی من عصبانی شده بود، گفت: فردا میگی پدر و مادرت بیان مدرسه.	۱۱۸
		G5	A119	معلم هلال‌احمر بود که با نگاهی تشویقی و قدرشناسانه به من گفت: خیلی تصمیم درستی گرفتی دخترم.	۱۱۹
		G6	A120	ناگهان نام خودم را از زبان معلم شنیدم.	۱۲۰
G7	A121	متوجه شدم که می‌گوید: هر گروه باید یک سرگروه داشته باشد، پس مرا انتخاب کرد.	۱۲۱		

مهارت‌های شفاهی و حرفه‌ای

دیدگاه معلم نسبت به دانش‌آموز

اخلاق حرفه ای در آموزش، سال اول، شماره ۲، بهار ۱۴۰۱

		G8	A122	چند روزی که گذشت خانم معلم با دلخوری مرا به کناری کشید و گفت: من از تو توقع نداشتم به اعتماد من این جوری ضربه بزنی. من تو را به عنوان سرگروه تیم تیزهوشان انتخاب کرده‌ام نه اینکه اسم و فامیل بازی کنی.	۱۲۲
محیط آموزشی و مدیران اجرایی مدارس	امکانات آموزشی و نیروی انسانی	H1	A123	همیشه از زیبایی اسم مدرسه و خیابانش ذوق می‌کردم.	۱۲۳
		H2	A124	حیات بزرگ و زیبای مدرسه پر از درختچه‌های گل یاس بود.	۱۲۴
		H3	A125	عطر خوشایند گل‌های کوچک اما فوق‌العاده معطر آن بهترین دلیل برای روشن شدن آتش اشتیاق ما برای برگشتن به مدرسه بود.	۱۲۵
		H4	A126	قرار بود برای کلاس دوم دبستان ثبت‌نام کنم.	۱۲۶
		H5	A127	صدای حضور و غیاب معلم‌ها و صدای شادمانه‌ی کودکان از دیدار دوباره‌ی دوستان پارسالشان از کلاس‌ها به گوش می‌رسید.	۱۲۷
		H6	A128	این جمله را به شکل دیگری از یک روانشناس در تلویزیون شنیده بودم و به درستی آن اعتقاد داشتم.	۱۲۸
		H7	A129	به کلاس چهارم که رسیدیم، سه سال بود که در این مدرسه زندگی کرده بودیم.	۱۲۹
		H8	A130	پس از گذشت ربع ساعت، کم‌کم همه چیز به حالت عادی برگشت و شیدا از جایش بلند شد و ایستاد. مدیر و ناظم و معلم هلال‌احمر هم خدا را شکر کردند که اتفاق بدی برای شیدا نیفتاده است.	۱۳۰
		H9	A131	مدرسه‌ی ملک‌الشعرا آن موقع‌ها چهار تا کلاس پنجم داشت و در هر کلاس ۳۰ دانش‌آموز حضور داشتند.	۱۳۱
محیط آموزشی و مدیران اجرایی مدارس	امکانات آموزشی و نیروی انسانی	H10	A132	از اداره‌ی آموزش و پرورش اطلاعیه آمده بود تا بچه‌های مستعد برای شرکت در آزمون تیزهوشان را معرفی کنید.	۱۳۲
		H11	A133	اولین ساعت علوم داشتیم.	۱۳۳
		H12	A134	خانم مدیر نزدیک صف ما آمد و گفت: این کادر پزشکی که می‌بینید برای واکنسی که در سن چهارده‌سالگی باید زده شود این‌جا حضور دارند.	۱۳۴

واکاوی روایت‌ها و تجارب زیسته دوران تحصیلی...

		H13	A135	روز دانش‌آموز خانم مدیر سر صف اعلام کرد قرار است به مناسبت روز دانش‌آموز، روز چهارشنبه کل مدرسه را به سینما ببریم.	۱۳۵
		H14	A136	زمانی که وقت استراحت می‌داد گاهی تقریباً نصف ساعت کلاسی می‌شد و گاهی هم فقط پنج دقیقه‌ی آخر.	۱۳۶
		H15	A137	تنها تفاوت مهم مقطع دبیرستان با راهنمایی برای ما این بود که در دوره‌ی راهنمایی یک هفته شیفت صبحی بودیم و یک هفته شیفت ظهری، اما در دبیرستان سه روز اول هفته صبحی بودیم و سه روز دوم هفته ظهری و شیفت دیگر مخالف ما بود.	۱۳۷
		H16	A138	از قضای روزگار ما جزو دسته‌ای بودیم که سه روز اول هفته ظهری شدیم و سه روز دوم باید صبح به مدرسه می‌رفتیم.	۱۳۸
		H17	A139	یکی دیگر از تفاوت‌های مقطع راهنمایی و دبیرستان این بود که دوره‌ی راهنمایی به صورت سالانه بود، درحالی‌که در دبیرستان با ۲ ترم روبه‌رو بودیم؛ دقیقاً همانند دانشگاه.	۱۳۹
		H18	A140	روز اول مدرسه پس از آشنایی با سیستم ترمی-واحدی به کلاس رفتیم و تقریباً تمام دوستان دوره‌ی راهنمایی را در کلاس خود ملاقات کردیم.	۱۴۰
		H19	A141	خلاصه این کتاب‌ها این قدر خواهان داشت که بچه‌ها توی کتابخانه اسمشان را به لیست کرده بودند.	۱۴۱
	موقعیت جغرافیایی	J1	A142	اسم مدرسه‌ام ملک‌الشعرای بهار بود.	۱۴۲
		J2	A143	مدرسه‌ام در خیابان سعدی و در کوچه‌ی مریخ قرار داشت.	۱۴۳
		J3	A144	من فامیلی‌ام مهران هست. چون اهل شهر مهران هستم و از استان خوزستان آمده‌ام.	۱۴۴
		J4	A145	من دوران دبستان را در مدرسه‌ی ملک‌الشعرای بهار درس خواندم.	۱۴۵
		J5	A146	مدرسه‌ام در خیابان سعدی و در کوچه‌ی مریخ قرار داشت.	۱۴۶
محیط آموزش	موقعیت	J6	A147	مدرسه‌ی ما در شهر کرمانشاه بود.	۱۴۷



اخلاق حرفه ای در آموزش، سال اول، شماره ۲، بهار ۱۴۰۱

	J7	A148	به حیاط خانه رفتیم و با بچه‌های همسایه‌مان که همیشه به حیاط بزرگ خانه ما می‌آمدند تا با هم بازی کنیم، مشغول بازی شدیم.	۱۴۸
	J8	A149	صدای زنگ تلفن که از طرف مدرسه بود ناگهان همه را در آن بعدازظهر جمعه از خواب پراند.	۱۴۹
	J9	A150	خوشبختانه کلاس سوم را هم در همان مدرسه‌ی پر گل و بزرگ و دوست‌داشتنی ملک‌الشعرای بهار، در خیابان سعدی و در کوچه‌ی مریخ گذراندم.	۱۵۰
	J10	A151	در تابستان قبلی خانه‌مان جابه‌جا شده بود و خیلی به مدرسه نزدیک‌تر شده بودیم.	۱۵۱
	J11	A152	فاصله‌ی خانه‌مان از یک ساعت به ۵ دقیقه کاهش یافته بود.	۱۵۲
	J12	A153	با شروع ماه مهر دوباره پا به مدرسه‌ای گذاشتیم که این بار کاملاً جدید بود.	۱۵۳
	J13	A154	روز اول را همراه با مادرم با آژانس به‌طرف مدرسه حرکت کردیم.	۱۵۴
	J14	A155	مسیر بسیار طولانی بود. خسته و کلافه بودم و غم جدایی از تابستان و دوستان قدیمی مرا سخت آشفته کرده بود.	۱۵۵
	J15	A156	مدرسه‌ی دبیرستان ما دقیقاً چسبیده به مدرسه راهنمایی‌مان بود.	۱۵۶
روابط کادر مدرسه با دانش آموزان	K1	A157	بابای مدرسه آدمی نه‌چندان مهربان بود.	۱۵۷
	K2	A158	بابای مدرسه دست تک‌تک بچه‌ها را به‌زور از دست مادرشان جدا می‌کرد.	۱۵۸
	K3	A159	بابای مدرسه به سمت ما آمد و مرا که گریه سر داده بودم، با خشونت از مادرم جدا کرد.	۱۵۹
	K4	A160	مدیر مدرسه که حساب می‌کرد ما از بی‌خیالی و بی‌توجهی مراجعه نکرده‌ایم، پشت تلفن گفت لیست کلاس‌ها پر شده و دیگر جایی برای ثبت‌نام فرزندان نیست.	۱۶۰
	K5	A161	خانم مدیر با عصبانیت به سمت ما آمد و با پرخاش گفت: آقای محترم دیر اومدین و کلاس‌ها پر شده، بفرمایید دفتر تا پرونده‌ی دخترتون رو بدم ببریدش یه مدرسه دیگه.	۱۶۱

واکاوی روایت‌ها و تجارب زیسته دوران تحصیلی...

		K6	A162	خانم مدیر اصرار داشت ما به دلیل بی‌توجهی مون باید تویبخ بشیم و من از دوستانم جدا بشم تا درس عبرتی باشه برای همه‌ی عمرم.	۱۶۲
مجمیع آموزشی و مدیران اجرایی مدارس	روابط کادر مدرسه با دانش آموزان	K7	A163	فکری که به ذهن همه‌ی ما خطور کرد این بود که لابد مدیر یا ناظم از بی‌حواسی ما استفاده کرده و یواش یواش تا نزدیکی‌های ما آمده‌اند و حالا که خودی نشان داده‌اند.	۱۶۳
		K8	A164	خانم مدیر دادی زد و گفت: چی گفتی؟ گفتی یکی از بچه‌ها مرده؟	۱۶۴
		K9	A165	ناظم هم که مثل من شوکه شده بود خشکش زد.	۱۶۵
		K10	A166	ناظم سریع به اتاق بغلی رفت و فوراً معلم هلال‌احمر را صدا کرد.	۱۶۶
		K11	A167	ناظم و مدیر و معلم هلال‌احمر از شنیدن چنین حرف‌هایی از بچه‌ای با این سن انگشت حیرت به دهان مونده بودند.	۱۶۷
		K12	A168	طبق انتظار من، خانم مدیر به معلمان توصیه کرده بود گروه تیزهوشان کلاس را به گونه‌ای انتخاب کند که حتماً دو نفر فامیل‌های خودش در گروه حضور داشته باشند.	۱۶۸
		K13	A169	خانم مدیر به کلاس وارد شد و با لبخندی ساختگی رو به معلم کرد و گفت: بفرمایید این هم لیستی که با همدیگه بررسی و تعیین کردیم تا شایسته‌ترین دانش‌آموزان انتخاب شوند.	۱۶۹
		K14	A170	خانم مدیر از این حرکت ناسنجیده و ناپخته‌ی من استفاده کرد و گفت: اینی که حتی وظایف سرگروه رو نمی‌دونه به‌عنوان سرگروه معرفی می‌کنید؟ واقعاً متأسفم.	۱۷۰
		K15	A171	خانم مدیر که دست معلمان را خوانده بود اصرار کرد: لیست ما که یکی است پس لطفاً زودتر از روی لیست من بخوانید.	۱۷۱
		K16	A172	چند روز بعد خانم مدیر با افتخار به کلاس آمد و گفت: من به آموزش و پرورش کل اعلام کردم شایسته‌تر این است افرادی که برای آزمون تیزهوشان کاندیدا می‌شوند هم شایستگی درسی داشته باشند و هم شایستگی اخلاقی و انضباطی.	۱۷۲
K17	A173	مدیر خشک و خشن و جدی مدرسه ابتدایی برایم واقعی‌ترین تصویر از یک مدیر را ساخته بود و تصور چنین مدیری را هم در مدرسه‌ی جدید داشتم.	۱۷۳		

اخلاق حرفه ای در آموزش، سال اول، شماره ۲، بهار ۱۴۰۱

محیط آموزشی و مدیران اجرایی مدارس	روابط کادر اجرایی مدرسه با دانش آموزان	K18	A174	خانم مدیر گفت: هرکس اسمش را خواندم دستش را بلند کند و هرکس غایب است اسمش را تیک بزنم تا فردا که آمد واکسن را دریافت کند.	۱۷۴
		K19	A175	خانم مدیر با غرور گفت: ببینید بچه‌های مدرسه‌ی من چنین دانش‌آموزانی درسخوانی هستند!!!	۱۷۵
		K20	A176	خانم مدیر گفت: از همین بچه‌درسخوان کلاس شروع کنید تا هرچه سریع‌تر به کلاس بروند.	۱۷۶
		K21	A177	چنانچه بیش از ۶۰ درصد بچه‌های هر کلاس یک درس را انتخاب می‌کردند، آن درس ارائه می‌شد، در غیر این صورت اگر بچه‌ها به توافق نمی‌رسیدند مدرسه خودش دو تا درس را تعیین می‌کرد.	۱۷۷
		K22	A178	سال دوم که آمدیم، متوجه شدیم مدیر مدرسه‌مان به‌جای دیگری منتقل شده و مدیر جدیدی برایمان آورده‌اند.	۱۷۸
		K23	A179	مدیر که نامش خانم افشار بود، برخلاف مدیر قبلی بسیار متفاوت و با جذب و صدا البته متعهد و دلسوز بود.	۱۷۹
	مقررات مدرسه	L1	A180	طبق مقررات مدارس، بچه‌های کلاس اول و دوم ابتدایی دو روز زودتر از سایر کلاس‌ها به مدرسه می‌رفتند.	۱۸۰
		L2	A181	طبق معمول مدرسه‌های آن زمان، همه‌ی بچه‌های کلاس اول و دوم برای بیشتر آشناسدن با فضای مدرسه و معلم، یک روز زودتر از بقیه‌ی دانش‌آموزان سایر پایه‌های ابتدایی به مدرسه می‌رفتند.	۱۸۱
		L3	A182	ما کلاس دومی‌ها قرار بود امروز که جمعه است سه بعدازظهر به مدرسه برویم.	۱۸۲
		L4	A183	شرط معدل برای شرکت در آزمون ورودی تیزهوشان، معدل ۱۹ است. به‌این ترتیب ما ناچاریم یک نفر دیگر را به‌عنوان سرگروه انتخاب کنیم.	۱۸۳
		L5	A184	بچه‌های سال بالایی می‌گفتند برای هر درس قرار است یک معلم جداگانه داشته باشیم و مثل ابتدایی نیست که همه‌ی درس‌ها را یک معلم درس بدهد.	۱۸۴
	محیط آموزشی و مدیران اجرایی	مقررات مدرسه	L6	A185	خانم مدیر در زمان ثبت‌نام برنامه‌ی کلاسی را به والدین داده بود و به‌شدت تأکید کرده بود شاگردان از همان روز اول که به مدرسه می‌آیند باید کتاب‌ها را طبق برنامه‌ی کلاسی با خود بیاورند.
L7			A186	یکی از قوانین این بود که اگر برای کتابی تقاضا زیاد باشد، هر فرد می‌تواند آن را ۱ روز به امانت بگیرد.	۱۸۶
عوام	نقش خانوا	M1	A187	خواهر بزرگ‌ترم خواست از من انتقام بگیرد.	۱۸۷

واکاوی روایت‌ها و تجارب زیسته دوران تحصیلی...

	وضعیت اجتماعی و تفاوت‌های فردی	M2	A188	خواهرم گفت: توی مدرسه معلم بهداشت به بچه‌ها آمپول می‌زند.	۱۸۸	
		M3	A189	آن روز جمعه قرار بود پدرم سه بعدازظهر مرا به مدرسه ببرد تا کلاس‌بندی شویم و معلممان مشخص شود.	۱۸۹	
		M4	A190	از شانس من پدر من که کارمند اداره بود، روز جمعه مجبور شد به اضافه‌کاری برود تا بتواند یک پروژه را که قرار بود روز شنبه تحویل بدهند تمام کند.	۱۹۰	
		M5	A191	مادر بالاخره موفق شد مرا آرام کند.	۱۹۱	
		M6	A192	با وجود اینکه سی سال خدمتش پر شده بود و باید بازنشسته می‌شد اما با تقاضای پدر و مادر بچه‌هایی که به روزی شاگردانش بودن دوباره دعوت به خدمت شده بود.	۱۹۲	
		M7	A193	خانم معلم گفت پدر و مادرت برای بررسی وضعیت تحصیلی‌ات آمده‌اند.	۱۹۳	
		N1	A194	بالاخره پدرم ساعت یک بعدازظهر با گرفتن مرخصی به خانه آمد.	۱۹۴	
	N2	A195	پدرم از آنجایی که حسابی خسته بود تا ساعت چهار عصر خوابش برد.	۱۹۵		
	N3	A196	بعد از کلاس پنجم وقتی خواستیم از همدیگه جدا بشیم، این دوست خوبم بهم گفت که من نوه‌ی خانم زرنقش هستم.	۱۹۶		
	N4	A197	از قضای روزگار چندین سال پیش خواهر من هم شاگرد او بود.	۱۹۷		
	N5	A198	بچه‌های دیگر هم بدون اینکه بفهمند چه اتفاقی افتاده است، پا به فرار گذاشتند.	۱۹۸		
	عوامل بیرونی مؤثر بر عملکرد تحصیلی	وضعیت اجتماعی و تفاوت‌های فردی	N6	A199	چهار نفر در کلاس ما بودند که دو نفر از آن‌ها با مدیر مدرسه و دو نفر دیگر با خود معلممان نسبت فامیلی داشتند.	۱۹۹
			N7	A200	بچه‌ها کم‌کم از من کینه به دل گرفتند و در پی زیرآب زنی بودند.	۲۰۰
N8			A201	پیشنهاد دادن من همان و اشتیاق نشان دادن تمام اعضای گروه همان.	۲۰۱	

اخلاق حرفه ای در آموزش، سال اول، شماره ۲، بهار ۱۴۰۱

مهارت‌های شفاهی و حرفه‌ای	ارزشیابی	N9	A202	من که کمی خجالتی بودم و تا اون موقع جلوی کلاس نرفته بودم، گفتم میشه همین‌جا توی نیمکت که نشستم بخونم؟	۲۰۲	
		N10	A203	یکی از بچه‌ها گفت: فقط به خاطر یه امتحان؟ خُب امتحان رو بگیرین بعد بریم.	۲۰۳	
		N11	A204	روزی که می‌توانستیم خوش باشیم و تنها روز در طول سال تحصیلی باشد که درسی نخوانیم و واقعاً روز دانش‌آموز باشد، محکوم شدیم به ریاضی خواندن و امتحان‌دادن	۲۰۴	
		N12	A205	تقریباً سرنوشت محتوم همه‌ی بچه‌های این مدرسه‌ی راهنمایی، همان مدرسه‌ی نمونه دولتی چسبیده به آن بود و من نیز مانند بقیه بودم.	۲۰۵	
		N13	A206	در همین حین بچه‌هایی که به قول آن دوران بچه‌تنبل‌های کلاس بودند، با کلمات و اصواتی بیشتر توی دل آدم رو خالی می‌کردند.	۲۰۶	
		N14	A207	من با توجه به اینکه همیشه از مادرم نکات پزشکی می‌شنیدم و به‌خوبی به اهمیت کمک‌های اولیه آگاه بودم، به هم‌کلاسی‌هایم گوشزد کردم تا این درس را حتماً برداریم.	۲۰۷	
		N15	A208	خوشبختانه معلم درس کمک‌های اولیه‌مان که خودش در هلال‌احمر هم مشغول به کار بود به‌قدری استادانه بچه‌ها را توجه کرد که تقریباً صددرصد و متفق‌القول قبول کردند.	۲۰۸	
		نقش باورهای دینی در موفقیت‌های دانش‌آموز	O1	A209	این روش مهربانانه و انسانی که خاتم‌شادمان با من در پیش گرفت قطعاً از مطالعات فراوان و آگاهی‌های روان‌شناختی دروس دبیری‌شان سرچشمه می‌گرفت.	۲۰۹
	O2		A210	زندگی بدون بالا و پایین و بدون سختی کشیدن، انسانی قوی و شجاع و مقاوم نمی‌سازد.	۲۱۰	
	O3		A211	به‌این ترتیب نتوانستیم از حکم قضا فرار کنیم و با واکنشی که دریافت کردیم.	۲۱۱	
	ارزشیابی	حرفه‌ای	P1	A212	کلاس پنجم به قول معلم‌ها سال سرنوشت‌سازی بود؛ چراکه هم امتحانات نهایی بود و هم قرار بود در آزمون مدارس تیزهوشان شرکت کنیم.	۲۱۲
			P2	A213	قرار بود کل مسیر آینده‌ی زندگی‌مان را با یک آزمون شش‌ساعته رقم بزنیم.	۲۱۳

واکاوی روایت‌ها و تجارب زیسته دوران تحصیلی...

		P3	A214	در کلاس ما، در تمام دروس نمره‌های من از همه بالاتر بود و به‌طور خاص در ریاضی بسیار بالاتر از بقیه می‌درخشیدم.	۲۱۴
		P4	A215	برنامه‌ای که این چهار معلم برای تقویت درس بچه‌های کاندیدای تیزهوشان در نظر گرفته بودند برگزار می‌شد.	۲۱۵
		P5	A216	روز چهارشنبه زنگ اول ریاضی داشتیم و معلم قرار بود از کل کتاب امتحان بگیرد.	۲۱۶
		P6	A217	با بچه‌ها هماهنگ کردیم تا به معلم ریاضی در مورد سینما رفتن روز چهارشنبه چیزی نگوئیم و بدون اطلاع قبلی امتحان را بپیماییم.	۲۱۷
		P7	A218	هر کس از یک چیز می‌نالید و از معلم طلب راهنمایی می‌کرد.	۲۱۸
		P8	A219	معلم گفت: اول بهتر است برآوردی از میزان اطلاعات ریاضی شما داشته باشیم.	۲۱۹
		P9	A220	موقع اعلام نمره‌ها رسید.	۲۲۰
		P10	A221	آن سال‌ها تازه گروه‌های المپادی شیمی و ریاضی و فیزیک و نجوم شکل گرفته بودند.	۲۲۱
مهارت‌های شفنی و حرفه‌ای	مشوق‌های تحصیلی	Q1	A222	من فقط به‌خاطر شادکردن خانم زرنقش این‌قدر خوب درس خوندم.	۲۲۲
		Q2	A223	با دوستان خوبی که از کلاس اول و دوم پیدا کرده بودم و گل‌های خوشبو و معطر یاسی که در بهار و تابستان هوش از سر آدم می‌برد، حالا دیگر اشتیاق بیشتری به شروع ماه مهر داشتیم.	۲۲۳
		Q3	A224	من که بسیار مشتاق شعر و ادبیات بودم تا آمدم دستم رو بلند کنم، دیدم همه‌ی بچه‌ها دارن اسم منو صدا می‌زنن و می‌گن: خانوم اجازه! ارغوان از همه قشنگ‌تر شعر می‌خونه.	۲۲۴
مهارت‌های شفنی و حرفه‌ای	مشوق‌های تحصیلی	Q4	A225	معلم گفت: بچه‌ها اول از همه این دوستتون رو تشویق کنید.	۲۲۵
		Q5	A226	خانم افشار می‌گفت: ما به‌جای اینکه دائم در حال نهدن بچه‌ها باشیم و بگوئیم این کار اشتباهه یا آن کار را انجام ندهید، بهتره راهی پیش پای آن‌ها بگذاریم تا بدانند اگر قرار باشد کاری را انجام ندهند پس گزینه‌های دیگری پیش روی آن‌ها هست که می‌توانند انجام دهند.	۲۲۶

اخلاق حرفه ای در آموزش، سال اول، شماره ۲، بهار ۱۴۰۱

		Q6	A227	روش برخورد مدیر جدید دبیرستانمان با قضیه‌ی واحدهای اختیاری عمومی هم بسیار جالب‌توجه بود. او معتقد بود دانش‌آموزان باید با هر کدام از این درس‌ها آشنا شوند و پس از آشنایی براساس نیازشان انتخاب کنند که کدام واحد را می‌خواهند بگذرانند	۲۲۷
		Q7	A228	روزی که درس‌مان درباره‌ی جنگ‌های فرانسه و ناپلئون بود، تأکید بسیار داشت حتماً کتاب‌هایی که در مورد زندگی عاشقانه‌ی ناپلئون نوشته‌شده را بخوانیم تا دلایل واقعی شکست و پیروزی‌هایش را بدانیم.	۲۲۸
محیط آموزشی و مدیران اجرایی مدارس	هدایت تحصیلی	R1	A229	همون لحظه با خودم عهد کردم منم معلم بشم و چنین معلمی باشم که هر کسی دلش بخواد مثل من و جای من باشه!	۲۲۹
		R2	A230	در کلاس دوم دبیرستان با آن که رشته‌ی انسانی بودیم اما تعدادی دروس عمومی هم داشتیم که بین هر سه رشته‌ی ریاضی و تجربی و انسانی مشترک بود.	۲۳۰
		R3	A231	معلم تاریخ دو تا کتاب مهم مرتبط با زندگی ناپلئون را هم معرفی کرد: کتاب ژوزفین و دزیره.	۲۳۱
مهارت‌های شغلی و حرفه‌ای	وظایف معلم	T1	A232	زنگ کلاسی خورد و معلم به کلاس آمد.	۲۳۲
		T2	A233	همین امروز که رفتن خونه، به مادرتون بگین پوشیدن لباس مدرسه، بستن دکمه‌های مانتو، پوشیدن مقنعه، بستن بند کفش، پیچیدن ساندویچ برای تغذیه‌ی مدرسه، گذاشتن کتاب‌ها توی کیف طبق برنامه‌ی کلاسی روزانه و ... رو بهتون نشون (یاد) بده.	۲۳۳
مهارت‌های شغلی و حرفه‌ای	وظایف معلم	T3	A234	معلم گفت: بچه‌ها شما الان دیگه بزرگ شدین، نباید برای لباس پوشیدن تون به مادرتون وابسته باشین؛ بلکه باید توی کارهای کوچیک هم در حد توان تون یه باری از دوشش بردارید.	۲۳۴
		T4	A235	پدر و مادرم توی جنگ کشته‌شده‌اند و من تنها حامی خواهر و برادر کوچکت‌رم بودم.	۲۳۵
		T5	A236	خانم معلم ناخودآگاه مهم‌ترین درس‌های زندگیشو در روزهای اول مدرسه به ما منتقل کرد.	۲۳۶
		T6	A237	خانم معلم خواست که دوستی برای خود انتخاب کنم.	۲۳۷
		T7	A238	خانم معلم لبخندی زد و گفت: باشه عزیزم بیا پیش خودم بشین ولی همتون کم‌کم با همدیگه دوست می‌شین. بین اونا هم همدیگه رو نمی‌شناختن. ولی الان که یک ساعت گذشته هر کدومشون چند تا دوست خوب پیدا کردن.	۲۳۸

واکاوی روایت‌ها و تجارب زیسته دوران تحصیلی...

مهارت‌های شفاهی و حرفه‌ای	و وظایف معلم	T8	A239	خاطره‌ی اولین روز مدرسه در کلاس دوم در تمام طول زندگی‌م باعث شد هر جایی با کودکی روبه‌رو میشم یادم باشه با احساسش همدلی کنم و ترسش رو درک کنم و سعی کنم خیلی بیشتر از همیشه بهش محبت و مهربونی نشون بدم.	۲۳۹
		T9	A240	معلم پرسید: تو که این قدر خوب جواب همه‌ی سؤال‌ها را بلدی و معلوم است که سر کلاس خوب گوش می دهی و توی خانه خوب می خوانی، پس چرا مشقت را نمی نویسی؟	۲۴۰
		T10	A241	بعد از کلاس بیرون رفت و ربع ساعتی با والدینم صحبت کرد.	۲۴۱
		T11	A242	آن روز خانم معلم وظایف من را به‌عنوان سرگروه برایم به‌خوبی شرح داد و چندین کتاب تستی را معرفی کرد تا با بچه‌ها کار کنیم.	۲۴۲
		T12	A243	خانم عاصم با لبخند رو به بچه‌ها گفت: کی توی ابتدایی ادبیاتش خوب بوده و می‌تونه از روی شعر قشنگ بخونه؟	۲۴۳
		T13	A244	از این به بعد بیشتر ازتون می‌خوام بیاین جلوی کلاس تا بتونین وقتی برای دوستانون شعر می‌خونین، روی ماهشونو ببینین و لذت بردنشون از شعر رو توی نگاهشون بخونین.	۲۴۴
		T14	A245	همین حرف‌های این خانم معلم گل و متعهد و دلسوز و رفتارهای مادرانه‌ای که در قبال بچه‌ها در پیش می گرفت سبب می‌شد هرچی سؤال که می‌پرسد همه به‌خوبی و به‌درستی و با اشتیاق جواب بدهند و در کلاس مشارکت کنند.	۲۴۵
		T15	A246	خلاصه که این معلم کاردرست از هر راهی وارد می‌شد تا کاری کند که بچه‌ها این درس را جدی بگیرند.	۲۴۶
		T16	A247	معلممان در پایان سال گفت: هرکس دوست دارد از کمک‌های اولیه واقعا چیزی یاد بگیرد، آموزش‌ها در خود هلال‌احمر رایگان است و می‌توانید بیایید و آموزش ببینید.	۲۴۷
		T17	A248	معلم تاریخمان تأکید می‌کرد: وقتی پادشاهی را به‌طور کامل بشناسی، علاوه بر اینکه دیگر نام او و تاریخ جنگ‌ها و وقایع تاریخی‌اش را قرار نیست طوطی‌وار حفظ کنی، تا روزی هم که زنده هستی می‌توانی از تک‌تک آموخته‌های این پادشاه در دوران خودش درس بگیری و تجربه‌ای ببندوی.	۲۴۸
		U1	A249	ناگهان ترسی عظیم در دلم رخنه کرد.	۲۴۹



اخلاق حرفه ای در آموزش، سال اول، شماره ۲، بهار ۱۴۰۱

عوامل درونی مؤثر بر عملکرد تحصیلی	ترس از مدرسه	U2	A250	او گفت: نمی‌دونم. چون بقیه گریه می‌کردن. حتماً یه چیز ترسناکی هست پس ما هم باید گریه کنیم.	۲۵۰
		U3	A251	غم و غصه‌ام از شروع ماه مهر و تمام‌شدن دوران بازی‌های کودکانه و تابستانی را با بهانه‌ی اینکه مادر یادش رفته برای مدرسه‌بردنم با بابا هماهنگ کند، با هم مخلوط کردم.	۲۵۱
		U4	A252	من از خداخواسته پدرم را صدا نکردم.	۲۵۲
		U5	A253	یادم افتاد کیفم هنوز دست مادر است و خداخدا می‌کردم که به خانه نرفته باشد و کیفم را با خود نبرده باشد که بدبخت می‌شوم.	۲۵۳
		U6	A254	انگار خواب بعدازظهرهای تابستان همه‌چیز را از خاطرم برده باشد، هرچی به مغزم فشار آوردم هیچی یادم نیومد.	۲۵۴
		U7	A255	کلاس ریاضی همیشه یکی از پر چالش‌ترین کلاس‌ها برای تمام دانش‌آموزان است.	۲۵۵
	محتوای آموزشی	U8	A256	ما که بدون دلیل خاصی ترس از آمپول داشتیم، به مرز سکنه رسیدیم.	۲۵۶
		U9	A257	از شما چه پنهان هیچ درسی نخوندم، اما صبح فردا که رسید از اینکه درس نخوانده بودم پشیمان شدم. به‌این ترتیب با خودم گفتم بهتر است اصلاً به مدرسه نروم. نه سینما می‌روم نه امتحان می‌دهم.	۲۵۷
		U10	A258	دوشنبه‌ها و سه‌شنبه‌ها برای ما بدترین روزها بود؛ چراکه دو تا از درس‌های روز دوشنبه و سه‌شنبه با هم مشترک بودند و معلم‌ها با حل مسائل، تمرین‌های زیادی برایمان تعیین می‌کردند.	۲۵۸
		U11	A259	در نیم‌ساعت بعد با این روش او شوکه شدیم و تن به امتحان الهی سپردیم و امتحانمان را دادیم و با ترس‌ولرز منتظر نتیجه ماندیم.	۲۵۹
		V1	A260	اولین دوستی ما در اولین روز مدرسه و در ده دقیقه اول حضور در یک مکان آموزشی اجتماعی شکل گرفت..	۲۶۰
V2		A261	خانم مهران به من آموخت علاوه بر اینکه بتونم کار خودم رو انجام بدم، حمایت گر دیگران هم باشم.	۲۶۱	
V3	A262	داشتن چند تا دوست خوب در یک کلاس و هم‌کلاسی‌بودن با آن‌ها می‌تواند هم مثبت باشد و هم منفی.	۲۶۲		

واکاوی روایت‌ها و تجارب زیسته دوران تحصیلی...

عوامل بیرونی مؤثر بر عملکرد تحصیلی		V4	A263	از مثبت‌ترین و اثرگذارترین سخنان این خانم معلم عزیز این بود: قطرات آب با اینکه بسیار نرم و لطیف هستند اما به دلیل پشتکار و تکرارشان است که می‌توانند سرانجام در دل سنگ ردی از خود باقی بگذارند و حتی آن را شکل دهند.	۲۶۳
		V5	A264	فوراً به سمت کیفم دویدم و گفتم: خرما که قندش زودتر جذب میشه ندارم ولی شکلات دارم الان براش میارم.	۲۶۴
		V6	A265	قانون و مقررات را رعایت کنم و به‌جای دلسوزی بی‌مورد، تلاش کنم با روش‌هایی از قبیل معمای ریاضی و چستان کلاس را مدیریت کنم، اما هرگز اجازه ندهم از فضای کلاسی خارج شود تا به‌راحتی بهانه‌ای به دست کسانی که به دنبال آتوگرفتن از من هستند، ندهم.	۲۶۵
		V7	A266	روز شنبه که به مدرسه رفتم از بچه‌ها شنیدم معلم ریاضی گفته: بچه‌ها به امروز رو برید خوش باشید امتحان نمی‌گیرم. فقط خواستم از ترس امتحان به کم درس بخونید.	۲۶۶
	V8	A267	به‌تدریج در خلال همین سؤال درددل‌ها، درس مشارکت و اتحاد با همدیگر و کار گروهی رو آموزش می‌داد.	۲۶۷	
	V9	A268	کمک‌های اولیه (هلال‌احمر)، تزئین منزل و برنامه‌ریزی شغلی و تحصیلی دروس عمومی بودند.	۲۶۸	
	V10	A269	درس دیگرمان هم پس از گذراندن همین مراحل، تزئین منزل انتخاب شد.	۲۶۹	
	V11	A270	یکی از درس‌هایی که در سال دوم دبیرستان بین همه‌ی رشته‌ها مشترک بود، درس تاریخ معاصر بود.	۲۷۰	
	مشکلات تحصیلی دانش‌آموزان	W1	A271	یکی گفت: خانم اجازه فلانی مقنعه‌اش را از سرش درآورده، نمی‌خواهید بهش چیزی بگید؟	۲۷۱
		W2	A272	با خودم فکر می‌کردم یعنی واقعاً مجبورم از دوستان کلاس اولم و آن‌همه گل یاس خوشبو جدا شوم و به مدرسه‌ی دیگری بروم؟	۲۷۲
		W3	A273	وقتی به دفتر مدرسه مراجعه کردیم دیدیم هیچ معلمی توی دفتر نیست و همه به سر کلاس‌های خود رفته‌اند.	۲۷۳
W4		A274	هم باعث می‌شود با همدیگر مشق‌هایمان را بنویسیم و با هم خوب درس بخوانیم؛ هم می‌تواند باعث شود با شیطنتهایی که سر کلاس از بچه‌ها سر می‌زند حواست از درس پرت شود و اصلاً متوجه نشوی.	۲۷۴	
W5		A275	یک‌بار به مدت یک هفته مشق‌هایم را ننوشتم و فقط تکالیف شفاهی‌ام را حفظ می‌کردم و جواب می‌دادم.	۲۷۵	

اخلاق حرفه ای در آموزش، سال اول، شماره ۲، بهار ۱۴۰۱

		W6	A276	خانم مدیر گفت: وای خدای من!!! این شیداست. مادرش اول سال اومد بهم گفت که دیابت داره.	۲۷۶
		W7	A277	طبق اطلاعیه، هر مدرسه تنها می‌توانست ده نفر را جهت شرکت در آزمون تیزهوشان معرفی کند.	۲۷۷
		W8	A278	طبق معمول آنچه همیشه این‌ور و اون‌ور می‌بینیم تقریباً همیشه جایگاه‌های بالاتر را افراد خاص اشغال می‌کردند.	۲۷۸
		W9	A279	سیستم آموزشی، به‌جای تأکید بر کار گروهی، همیشه رقابت تک‌نفره را جایگزین کرد و ما دانش‌آموزان که الگویمان معلم‌ها بودند.	۲۷۹
		W10	A280	این آزمون‌ها رقابت سالم و سازنده را به رقابتی غیردوستانه تبدیل کردند.	۲۸۰
		W11	A281	ترتیب گروه پنج‌نفره‌ای که معلممان گفته بود قصد دارد برای کلاس فوق‌العاده انتخاب کند، چهار نفرشان از پیش تعیین شده بودند.	۲۸۱
		W12	A282	به‌خاطر تباری‌های خانم مدیر، از کلاس ما هیچ‌کس در آزمون داخلی مدرسه رتبه‌ای کسب نکرد تا بتواند جزو همان دو و نیم نفر سهمیه‌ی هر کلاس باشد.	۲۸۲
		W13	A283	به‌خاطر شیطنت‌هایی که موجب کاهش نمره‌ی انضباط در کلاس چهارم و پنجم شد همگی دست‌به‌دست هم دادند تا بتوانم در آزمون تیزهوشان شرکت کنم.	۲۸۳
		W14	A284	سرگروه درس ریاضی مرا یاد کلاس پنجم دبستانم انداخت و خاطرات فراموش‌نشده‌ی معلم مهربانی که با وجود سختگیری‌ها و باندهای مدیر مدرسه‌مان، مرا به‌عنوان سرگروه تیم تیزهوشان انتخاب کرد.	۲۸۴
		W15	A285	دوران راهنمایی معلم تاریخ و جغرافیای خوبی نداشتیم و همین باعث شده بود از این درس شیرین زده شویم.	۲۸۵
W16	A286	با دیدن برگه‌های امتحانی پایان‌ترم در دستش شوکه شدم.	۲۸۶		
عوامل بیرونی مؤثر بر عملکرد تحصیلی	مشکلات تحصیلی دانش‌آموزان	Y1	A287	از بغل دستی‌ام پرسیدم: چرا گریه می‌کنی؟	۲۸۷
		Y2	A288	با هم دوست شدیم که اگر بیرونمون کردن حداقل دو نفر باشیم.	۲۸۸
	وظایف دانش‌آموزان				

واکاوی روایت‌ها و تجارب زیسته دوران تحصیلی...

		Y3	A289	معلم گفت: مامان‌ها که همیشه همراhton نیستن که براتون همه‌ی کارها رو انجام بدن. پس باید خودتون یاد بگیرید.	۲۸۹
		Y4	A293	خانم زرنقش یکی از بچه‌های مهربون کلاس رو صدا کرد و گفت: عزیزم بیا با این دخترخانم مهربون دوست باش.	۲۹۳
		Y5	A294	مدرسه‌ی ملک‌الشعراى بهار پر از خاطره بود و دوستی‌هایی که در آن‌جا شکل می‌گرفت گاهی قرار بود تا پایان عمرمان باقی بماند.	۲۹۴
عوامل درونی مؤثر بر عملکرد تحصیلی	وظایف دانش‌آموزان	Y6	A295	با سرعت به سمت دفتر دویدم و با یک لیوان آب و قندان در دست برگشتم.	۲۹۵
		Y7	A296	همان لحظه ناخودآگاه بلند شدم و گفتم: اجازه من نمی‌دونم الان وظایف من به‌عنوان سرگروه چیه. یعنی الان من باید چیکار کنم دقیقاً؟	۲۹۶
		Y8	A297	در طول چند ماهی که بیرون از کلاس و در فضای آزاد با بچه‌ها ریاضی و تست کار می‌کردیم، پیش می‌آمد که بچه‌ها می‌گفتند خسته شده‌ایم و بگذار استراحت کنیم؛ اما من به‌خاطر مهربانی معلمم در انتخاب من اجازه نمی‌دادم.	۲۹۷
عوامل بیرونی مؤثر بر عملکرد تحصیلی	لذت یادگیری	Z1	A298	اون یک‌ساعتی که خانم معلم این حرف‌ها رو زد، خود من حداقل ده سال بزرگ شدم.	۲۹۸
		Z2	A299	منقلب شدن رو در چهره و رفتار تک‌تک بچه‌ها می‌شد دید.	۲۹۹
		Z3	A300	از همان روز دست از کارهایم برداشتم و مثل کلاس اول و دوم با اشتیاقی و صفا ناپذیر درس می‌خواندم.	۳۰۰
		Z4	A302	برام خیلی جالب بود که گرچه داشتیم شعر می‌خوندیم اما همه‌ی شعرها همون مطالب علوم کلاس چهارم و پنجم بود و من ناخودآگاه تمام اون درس‌ها رو در لحظه یادم اومد.	۳۰۲
		Z5	A303	کلاس سوم راهنمایی که آمدیم، یکی از بهترین زنگ‌ها که می‌توانستیم از دست خستگی‌های مدیر و مدرسه و بقیه‌ی معلمان نفس راحتی بکشیم و خود واقعی‌مان باشیم و با معلم راحت حرف بزنیم، زنگ ادبیات و انشا بود.	۳۰۳

اخلاق حرفه ای در آموزش، سال اول، شماره ۲، بهار ۱۴۰۱

		Z6	A304	به این ترتیب این دو نفر که بالاترین نمرات کلاس را گرفته اند سرگروه شدند.	۳۰۴
		Z7	A305	در پایان سال بیشترین اطلاعاتی که از این کلاس نصیبمان شد این بود که چطور اجازه دهیم فردی عاشقانه بمیرد.	۳۰۵
عوامل بیرونی مؤثر بر عملکرد تحصیلی	لذت یادگیری	Z8	A306	همه را مدیون همان بچه‌هایی هستیم که لزوماً همه چیز زندگی را جدی نمی‌گرفتند و با خنده و هیجان، لحظه‌ها را زندگی کردند.	۳۰۶
		Z9	A307	خوشبختانه در دبیرستان یک معلم بی‌نهایت دوست‌داشتنی و عزیز و مهربان نصیبمان شد که نحوه‌ی تدریسش و محبت‌هایش باعث شد من بیشتر عاشق رشته‌ی انسانی شوم.	۳۰۷
		Z10	A308	یکی از درس‌های دل‌انگیز برای من درس تاریخ بود که به جنگ‌های جهانی و بررسی دقیق‌تر جنگ‌های هر کشور و سرنوشت پادشاهان می‌پرداخت.	۳۰۸
		Z11	A309	صبح که مادرم برای بیدار کردنم آمد تا به مدرسه بروم، خودم را به مرضی زدم و روز سه‌شنبه را غیبت کردم تا برسم کتاب را بخوانم و روز چهارشنبه تحویل بدهم.	۳۰۹
		Z12	A310	یاد و خاطره‌ی کلاس بی‌نظیر تاریخمان و خانم توسل و مهربانی‌ها و تلاشش برای علاقه‌مند کردن ما به مطالعه‌ی تاریخ و همچنین خوبی‌ها و البته نصیحت‌های خانم هامونی مسئول کتابخانه، همیشه در قلب من موجی از احساس‌های گوناگون را برمی‌انگیزد.	۳۱۰

#### ۴- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

یافته‌های حاصل از این پژوهش به شناسایی مؤلفه‌های اصلی هویت حرفه‌ای نویسنده منجر شد. نویسنده با تحلیل خاطرات اثرگذار در هویت حرفه‌ای خود و مطالعه‌ی منابع مختلف به این نتیجه دست یافته است که عوامل محوری در تبیین هویت حرفه‌ای او را محیط آموزشی، مهارت‌های شغلی و حرفه‌ای، عوامل درونی مؤثر بر عملکرد تحصیلی و عوامل بیرونی مؤثر بر عملکرد تحصیلی تشکیل می‌دهند. مؤلفه‌ی مهارت‌های شغلی شامل زیرمجموعه‌های آراستگی ظاهری، مشوق‌های تحصیلی، خصوصیات اخلاقی معلم،

### واکاوی روایت‌ها و تجارب زیسته دوران تحصیلی...

وظیفه‌ی معلم، روش تدریس، دیدگاه معلم و ارزشیابی و مؤلفه‌ی محیط آموزشی شامل زیرمجموعه‌های مقررات مدرسه، امکانات آموزشی، هدایت تحصیلی، موقعیت جغرافیایی و روابط کادر مدرسه و مؤلفه‌ی عوامل درونی مؤثر بر عملکرد تحصیلی شامل نقش خانواده، محتوای آموزشی، وظایف دانش‌آموزان، وضعیت اجتماعی و تفاوت‌های فردی، مشکلات تحصیلی و لذت یادگیری و مؤلفه‌ی عوامل بیرونی مؤثر بر عملکرد تحصیلی شامل زیرمجموعه‌های ترس از مدرسه، باورهای دینی دانش‌آموزان، عواطف و احساسات و افکار و عقاید می‌شود.

(شعاری‌نژاد، ۱۳۸۸) یکی از ویژگی‌های معلم جذاب را خوش‌ظاهر و خوش‌لباس بودن می‌داند؛ زیرا دانش‌آموزان با کسی سریع ارتباط برقرار می‌کنند که جذابیت خاصی برایشان داشته باشد.

در ارتباط با کارکرد آموزشی مدارس باید گفت رعایت اخلاقی آموزشی تضمین‌کننده‌ی سلامت فرآیند یاددهی و یادگیری است. در حقیقت، خصوصیات اخلاقی مرتبط با آموزش و یادگیری به این امر کمک می‌کند که شأن دانش‌آموزان در برخورداری از بهترین آموزش‌ها و شأن یادگیری از یک طرف و شأن و جایگاه علم و علم‌آموزی از طرف دیگر رعایت شود (محسنی، ۱۳۹۲).

به‌کارگیری روش‌های تدریس متنوع در کلاس ضمن علاقه‌مندی دانش‌آموزان باعث عمیق‌تر شدن و بیشتر شدن میزان یادگیری فرد در دروس مختلف می‌شود (شیری پور، ۱۳۹۶).

فضای آموزشی مکانی است که دانش‌آموز جهت فراگیری علم و کسب دانش بهترین ساعات روز را آن‌جا می‌گذرانند و بهترین اوقات زندگی خود را با مؤلفه‌هایی چون

## اخلاق حرفه ای در آموزش، سال اول، شماره ۲، بهار ۱۴۰۱

مدرسه، کلاس، فضای درونی، آرایش کلاس، تهویه، امکانات آموزشی، آزمایش و رفاهی از جمله آزمایشگاه، محوطه‌ی بازی و ورزش، کتابخانه و... سپری می‌کند. بدیهی است این عوامل تأثیر بسیار زیادی در پیشرفت، سلامت جسمی و روحی، یادگیری و کسب مهارت‌های لازم او خواهد داشت. در محیط تعلیم و تربیت پیشرفته، ذهن شاگرد بسیار فراتر از یک مخزن اطلاعات و محفوظات رشد می‌یابد و به جنبه‌ی پرورشی او اهمیت زیادی داده می‌شود (سمیع‌آذر، ۱۳۷۶).

نظام‌های آموزش و پرورش در جهان کنونی با تغییر و تحولات گوناگونی، چندجانبه و شتابنده مواجه است. این تحولات، کلیه‌ی ابعاد این نظام‌ها را تحت تأثیر قرار داده و تمهیدات ویژه‌ای را می‌طلبد. نظام آموزش و پرورش باید برای برخورد درست با این تحولات، برنامه‌ریزی درست و جامعی را داشته باشد که به منظور نیل به این هدف نیازمند انسان‌هایی کارآزموده و مجرب خواهد بود. بدیهی است که در بین همه‌ی عوامل، معلم به‌عنوان عنصر اصلی نظام تعلیم و تربیت مهم‌ترین نقش و تأثیر را در سایر عناصر خواهد داشت (یونسی مرزودی، ۱۳۸۰)؛ بنابراین با توجه به این تغییرات در دنیای امروز نظام آموزشی نیازمند به آموزش نو و نقش تازه‌ی معلم و نیز نوسازی برنامه‌های درسی تربیت‌معلم از نظر محتوا، هدف، روش‌ها، منابع و وسایل و توجه به تغییرات سریع فناوری و کاربرد آن در فرآیند یاددهی یادگیری است (امام‌جمعه و ملایی‌نژاد، ۱۳۸۹).

خصوصاً براساس یافته‌های پژوهش، مهم‌ترین دستاوردهای واکاوی روایت‌ها و تجارب زیسته‌ی دوران تحصیلی برای معلمان و دانشجو معلمان به شرح ذیل می‌باشد:

۱. تغییردادن هویت حرفه‌ای معلمان
۲. توسعه‌ی دانش، مهارت و نگرش حرفه‌ای معلمان
۳. کسب دانش معلمی

واکاوی روایت‌ها و تجارب زیسته دوران تحصیلی...

۴. ترغیب خودتأملی و کمک به یادگیری حرفه‌ای

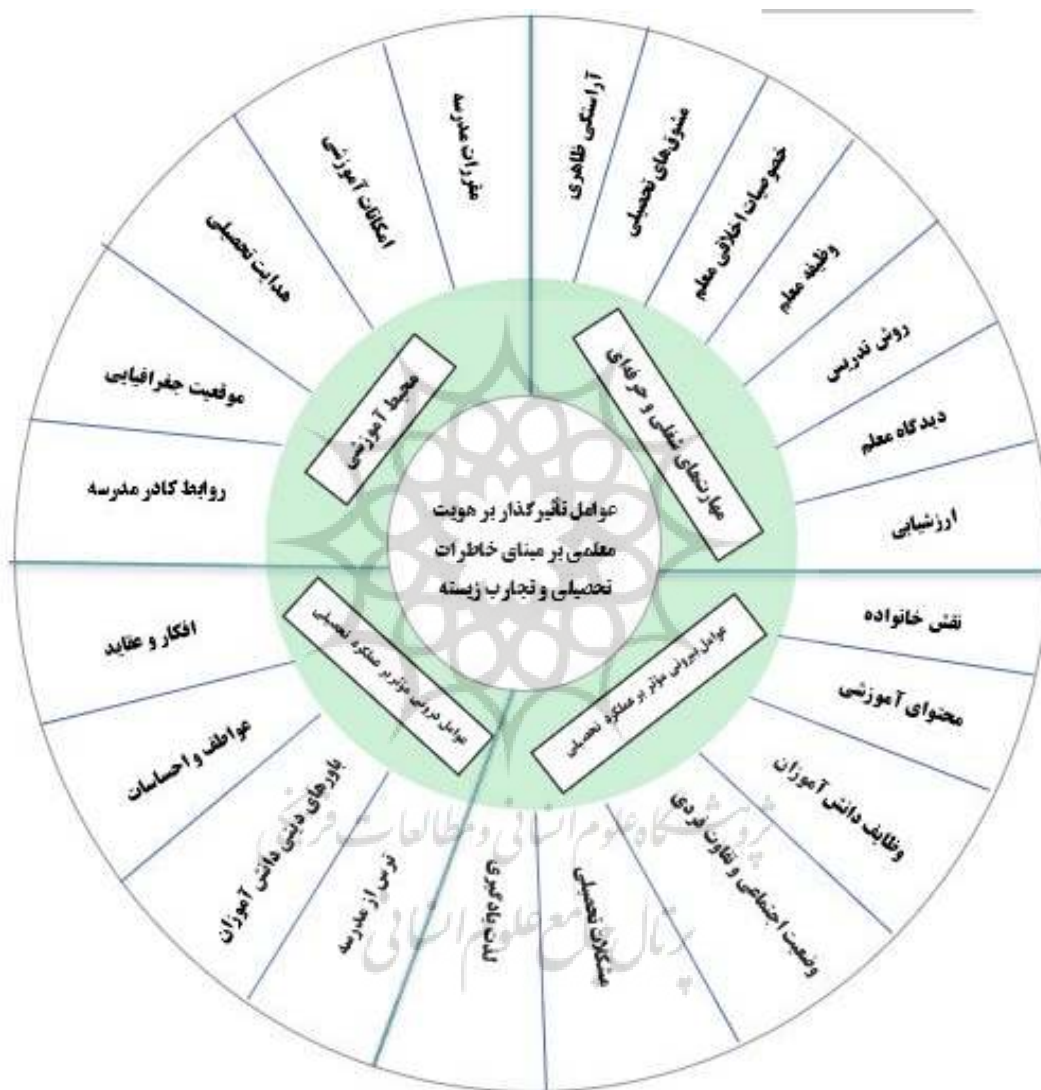
#### ۵- پیشنهادها

- این پژوهش این امکان را به معلمان می‌دهد تا با روایت پژوهی اخلاق حرفه‌ای خود را تغییر دهند و خلاق، تولیدکننده و محقق شوند (از طریق تغییر دادن نقش معلم به عنوان خالق و سازنده‌ی دانش، تغییر دادن نقش معلم به طراح و سازنده‌ی برنامه‌ی درسی، تغییر دادن نقش معلم به معلم محقق)
- این پژوهش این امکان را به معلمان می‌دهد تا دانش، مهارت و نگرش‌های حرفه‌ای خود را توسعه دهند (از طریق برقراری ارتباط بین نظر و عمل، توسعه‌ی درک و فهم، کسب دانش معلمی، درک تدریس، حل مسائل تدریس، برنامه‌ریزی برای آینده براساس تجارب گذشته، دستیابی به یادگیری معنی‌دار، درگیری و موفقیت یادگیرندگان، ترغیب خودتأملی و کمک به یادگیری حرفه‌ای، شناسایی و درک تجربه‌ی افراد، توسعه‌ی نگرش‌ها و توسعه‌ی مهارت‌های عمومی شخصی).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



۶- مدل تحلیلی - استنباطی



۷- منابع

- رضایی، منیره. (۱۳۹۰). پاسخی به نیاز معلمان برای افزایش دانش حرفه‌ای در دنیای متحول امروز. پژوهشنامه‌ی فرهنگیان، ۱(۱)، ۳۲.
- مسرور، رضا. (۱۳۹۴). بازنگری علل مؤثر بر نقش معلم در ارتقاء کیفیت امور فرهنگی تربیتی دانش‌آموزان آینده‌سازان جامعه. سومین همایش ملی مدرسه‌ی فردا، دانشکده‌ی فنی و حرفه‌ای سما، چالوس.
- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. (۱۳۹۰). دبیرخانه‌ی شورایعالی انقلاب فرهنگی. ۲۶.
- فروتن، معین و رشادت‌جو، حمیده. (۱۳۹۴). مفهوم‌پردازی هویت حرفه‌ای اعضای هیأت علمی؛ ارائه‌ی یک مدل کیفی. دو فصلنامه‌ی مطالعات آموزش و یادگیری، ۷(۱)، ۱۲۳-۱۰۰.
- عطاران، محمد. (۱۳۹۶). پژوهش روایی: اصول و مراحل. نشر دانشگاه فرهنگیان
- کرمی، زهره، سراج، فرهاد و معروفی، یحیی (۱۳۹۶). فصلنامه‌ی برنامه‌ی درسی روایت پژوهی و توسعه‌ی حرفه‌ای. صص ۷۳-۷۲، بهار و تابستان ۱۳۹۶، دانشگاه فرهنگیان.
- تورانی، حیدر (۱۳۸۰). کیفیت‌بخشی آموزش و پرورش دوره‌ی ابتدایی با رویکرد مدیریت کیفیت جامع. تهران: نشر قو، چاپ اول.
- رشد آموزش ابتدایی، دوره‌ی بیست و یکم. شماره‌ی ۱، دی‌ماه.
- گتزلز، جیکوب. (۱۳۸۹). روانشناسی اجتماعی تعلیم و تربیت (ترجمه: یوسف کریمی). نشر ویرایش.

## اخلاق حرفه ای در آموزش، سال اول، شماره ۲، بهار ۱۴۰۱

- دوفصلنامه‌ی علمی - پژوهشی شناخت اجتماعی، سال هشتم، شماره‌ی اول (پیاپی ۱۵)، بهار و تابستان ۱۳۹۸ رشد آموزش ابتدایی، دوره‌ی بیست و یکم. شماره‌ی ۴، دی‌ماه ۱۳۹۶
- یونسی مرزودی، سکینه (۱۳۸۰). بررسی و مقایسه‌ی میزان رشد حرفه‌ای معلمان دوره‌ی ابتدایی شهرستان شیروان. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری.
- امام‌جمعه، طیبه، ملایی‌نژاد، اعظم (۱۳۸۹). آنچه مدیران درباره‌ی حرفه‌مندی معلمان باید بدانند. مجله‌ی رشد مبانی مدیریت ۲. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی وزارت آموزش و پرورش، ۹ (۷۱).
- معاونت آموزش ابتدایی اداره‌ی کل آموزش و پرورش استان قزوین، "چکیده‌ی مطالب آثار درس‌پژوه‌های شرکت‌کنندگان در جشنواره‌ی درس‌پژوهی استان قزوین"، ۱۳۹۵.
- شعاری‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۸۸). روانشناسی فرهنگ و تربیت، واقعیت‌های روانشناختی تربیت و فرهنگ. امیرکبیر. تهران.
- محسنی، منوچهر (۱۳۹۲). «مبانی جامعه‌شناسی علم: جامعه، علم و تکنولوژی» چاپ دوم، انتشارات طهوری، تهران.
- شیرینی‌پور، مجید (۱۳۹۶). روش‌های تدریس معلم، دانشگاه فرهنگیان، تبریز.
- سمیع‌آذر، علیرضا (۱۳۷۶). نقش محیط کالبدی در پویایی آموزش و پرورش. تهران: فصلنامه‌ی مدرسه‌ی نو، شماره‌ی ۷.